

تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی

محسن ساردوئی* - مربی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران.

Genealogy approaches to explaining the role of public open spaces in rural settlements

Abstract

Outdoor in terms of major element of nature as something complicated. Open space and its relation to the environment, although the exact language is unique in different climates; But a deeper look at the fundamental differences can be found. Lack of attention to these fundamental differences and structural differences on the one hand and the other with issues of rural architecture planning is very important. The results of this study indicate a more comprehensive concepts and approaches Planning Manager and Safety – Environment in the open spaces of rural settlements is often beyond the scope of internal spaces. In the village you can see more outdoor function that has a role in some cases of importance is nearly closed space. That is why in many cases the organic process of the formation of these two types of space and can be mixed to form an integral knew none of them have dominion. However, methods, models and effects of each of the management practices and planning approaches to explain the status of open spaces on three roles provide key open spaces roles climate - environment and health – health and above all the role of conservationists' emphasis. It is proposed to include in the planning of open spaces under consideration are rural settlements: Necessary form of social organization of space, especially in rural open spaces, architectural design rules and guidelines rural settlements; Standards and guidelines development and implementation in rural areas.

Keywords: public open spaces, rural settlements, and space in the context of intervention approaches, analytical approach.

چکیده

«فضای باز» از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته، اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم‌های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق تر تفاوت‌هایی بنیادی را می‌توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از یکسو و از سوی دیگر تفاوت‌های بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات برنامه‌ریزی معماری روستایی بسیار مهم بوده و می‌تواند به استحاله پارادیم‌های مرتبط با زندگی روستائی و شیوه معیشت آنان منجر شود. نتایج حاصل از این تحقیق، بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم و رویکردهای «برنامه‌ریزی- مدیریتی» و سپس «حفاظتی- زیست محیطی» در فضاهای باز سکونتگاه‌های روستایی است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی فراتر رفته و نواحی حومه‌ای را نیز شامل می‌شود. در روستاها می‌توان شاهد کارکرد گسترده تر فضای باز بود که در برخی مواقع از لحاظ اهمیت دارای نقشی نزدیک به فضای بسته می‌باشد. به همین دلیل در بسیاری از مواقع فرایند آرگانیک شکل‌گیری این دو تیپ فضا به شکلی لاینفک درهم آمیخته و نمی‌توان هیچ کدام از آنها را دارای سیطره دانست. در هر حال، روشها، مدلها و تاثیرات هر یک از شیوه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در رویکردهای تبیین‌کننده جایگاه فضاهای باز بر تامین سه نقش کلیدی فضاهای باز: «نقشهای اقلیمی- محیطی- سلامتی- بهداشتی»؛ و مهمتر از همه «نقش حفاظت‌کنندگی» تاکید دارند؛ چنانچه تبیین‌کننده نقش و جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه‌های روستایی بوده و با توجه به استحاله‌های فرهنگی در روستاها، از اولویتهای معاصر در حوزه برنامه‌ریزی معماری و طراحی فضاهای روستایی بشمار می‌رود. همچنین پیشنهاد می‌شود تا موارد زیر در حوزه برنامه‌ریزی فضاهای باز سکونتگاه‌های روستایی مورد التفات قرار گیرد: ضرورت شکل‌دهی سازماندهی اجتماعی فضا خاصه در فضاهای باز روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری سکونتگاه‌های روستایی؛ ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت و اجرا در مناطق روستایی؛ شناسایی کارکرد مفهوم فضای باز در قومیتها و مقوله بومی گرای در طراحی روستا؛ التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله جایگاه و نقش فضاهای باز روستایی و مفاهیم وابسته و پیوسته.

واژگان کلیدی: فضاهای باز عمومی، سکونتگاه‌های روستایی، رویکردهای مداخله در بافت و فضا، رویکرد تحلیلی.

مقدمه

حتی میزان اجتماع پذیری و آداب و رسوم زندگی در مناطق روستایی نیز نشان از این تحولات دوران مدرن و پسامدرن دارد؛ چنانچه مطابق با همه جای دنیا و مناطق روستایی ایران در حال حاضر، شناخت تأثیرات مدرنیته و فرایندهایش بر الگوهای سکونت و فرهنگ معماری در تمام جوامع بخصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است؛ زیرا در نتیجه تحولات مدرن و گسترده فرایندهای ارتباطی بین ملت‌ها و ادغام و اشاعه فرهنگها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه‌ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی و روستایی مشاهده و مطالعه می‌کردند. در این راستا، در این مقاله به مفهوم جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه‌های روستایی و رویکردهای برنامه ریزی آنها در معماری روستاها پرداخته می‌شود.

(۲) مواد و روشها

روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از: (۱-۲) **روش توصیفی و تحلیلی**: در مرحله ادبیات و مبانی نظری با ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی؛

(۲-۲) **روش تحلیل ساختاری**: مهمترین روش در این رساله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قراگیری در سایت و روش ساخت و آداب اجتماعی مربوط به آن را نیز شامل می‌شود. تحلیل آثار در واقع تحلیل ساختاری با استفاده از روش زبان‌شناسی ساختاری است. بدین ترتیب در چارچوب



نمودار ۱. مدل مفهومی تحلیل ساختاری معماری سکونتگاه‌های روستایی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس نظریات ساسور و لوی استراوس.

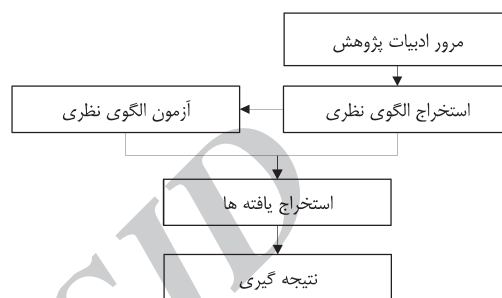
یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است؛ چه این کالبد در سکونتگاه‌های شهری باشد و چه در مناطق جغرافیایی روستایی قرار گیرد، برای نیل به این هدف، خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند؛ به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (Waxman, 2004). فضای باز موضوعی مهم در طراحی شهری، معماری و معماری منظر است. بار مفهومی فضای باز متنوع و معانی آن متعدد است. فضای باز از یک سو می‌تواند شامل مناطق حفاظت شده زراعی یا جنگلها، تسهیلات حفاظتی، زیستگاه‌های حیات وحش، نواحی حائلی آبراهه‌ها، پارکهای محلی و منطقه‌ای و حتی زمینهای گلف و بازی باشد که هر یک بواسطه اندازه، میزان تصرف (دائمی یا موقت)، میزان دسترسی عمومی و جایگاه آنها در ساختار فضایی از یکدیگر متمایز می‌شوند (klaiber & Phaneuf, 2010). و از سوی دیگر فضاهای باز که در مقابل فضاهای بسته، فضاهای ساخته شده و یا فضاهای مصنوعی مانند نواحی مسکونی، صنعتی، تجاری و زیرساختهای مربوطه تعریف می‌شوند، می‌تواند شامل پارکها، میادین، خیابانها و فضاهای باز نواحی مسکونی باشد. اهمیت فضاهای باز در محیط پیرامون بشر و ارتقاء کیفیت زندگی، هر روز بیشتر از گذشته درک می‌گردد. امروزه در بسیاری از کشورها فضاهای باز به عنوان یکی از بخشهای جدایی‌ناپذیر برنامه ریزی کاربری اراضی دانسته می‌شوند. با این حال رویکردها به برنامه ریزی فضاهای باز متنوع بوده و هیچگونه توافق کلی در زمینه ضوابط مطلوب که مبین میزان فضای باز مورد نیاز، محل قرارگیری فضاهای باز و شیوه استفاده و بهره‌برداری از آنها باشد، وجود ندارد (Maruani & Amit-Cohen, 2007).

از سویی دیگر، تغییرات در همگنی اجتماعی در مناطق روستایی، تجانس و عدم تجانس‌های فرهنگی روستانشینان، مظاهر و نمودهای اخلاقی جدید در روستاها، الگوهای معاشرتی و حلقه‌های اجتماعی و

رویکرد تحلیل ساختاری انجام می شود تا بتوان به معیارهای مورد نظر تحقیق دست یافت.

(۲-۳) مدل مفهومی تحقیق: مدل مفهومی تحقیق حاضر را می توان در قالب نمودار زیر ترسیم کرد.

(۲-۴) ساختار تحقیق: ساختار تحقیق حاضر در قالب نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارنده.

(۳) مبانی نظری تحقیق

(۳-۱) فضا و محیط

موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان شناسی مانند (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوب: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسو از: ۱۹۸۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان موننگمری: ۱۹۸۸، یان بنتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است (پارسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). اما تجربه نشان می دهد به رغم توجه اندیشمندان و تأکیدهای آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً با موفقیت همراه نبوده و به نظر می رسد می توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد:

۱. غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری.

۲. رشد یکسوگرانه گرایش های روان شناختی شهری و کم توجهی به بستر اجتماعی.

۳. عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی مؤثر در محتوا و فرم فضای شهری و ساز و کار آنها.

۴. عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری.

عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک»^۱ اثر ویلیام وایت^۲ در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان ها»^۳ اثر جان گهل^۴ در ۱۹۸۷ و «مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری»^۵ اثر کلیر کوپرمارکوس^۶ و کارولین فرانسیس^۷ در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند.

فضاهای شهری و روستایی از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر فرهنگی «تعاملات اجتماعی» بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر می باشند: «عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی» (پاکزاد، ۱۳۹۰). برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله فضای زندگی و فعالیت های جمعی و اجتماعی، فضای تعاملات فرهنگی و فضایی با تناسب زیبایی شناسانه ذکر می شود. فضاهای روستایی می توانند به تناسب «فرهنگ و اقلیم»، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز باشند؛ بنابراین فضای روستایی فضایی عمومی و عام است که دسترسی همگان به آن امکان پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاها و عملکردهای عدیده ای ایفای نقش می کند. طبیعی است که اگرچه می توان برای فضای شهری ویژگی های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی ها، ویژگی های استاندارد نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت هایی با یکدیگر دارند. «فضای شهری»^۱ پدیده ای سازمان یافته از اطلاعاتی است که در صور مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی

1. The Social Life of Small Urban Spaces
2. William H. Whyte
3. Life Between Buildings
4. Jon Gehl

5. People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces
6. Clare Cooper Marcus
7. Carolyn Francis

می یابد. بستر شکل گیری و ارتقا زندگی اجتماعی یک جامعه که بیانگر فرهنگ و شیوه شهر نشینی یک تمدن می باشد. فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه ای معنایی و در راستای عملکردهایی مورد نیاز جمعی انسانی. آنچه در شهرهای امروز ما دیده می شود نه فضای شهری که فضاهایی خالی محصول کنارهم قرارگرفتن بناها و تکه های باقی مانده از توده هایی هستند که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می کنند. شاید اینگونه باشد که در شهر؛ اول ساختمانها ساخته می شوند و آنچه باقی می ماند، فضای شهری^۱ است. مهمترین ابزار در جهت تقویت جامعه مدنی تقویت عرصه های عمومی است و اما در میان عرصه های عمومی، فضای شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش می تواند عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی ارائه دهد. فضایی که مکان تعاملات اجتماعی، برخورد های اجتماعی، تبادلات اجتماعی و محملی برای انواع فعالیت هاست (حبیبی، ۱۳۸۰).

در جستجوی «ماهیت شناخت شناسانه فضا» به معنای عام، دو دیدگاه «ذهنی و عینی»، «فلسفی و علمی» و یا «کیفی و کمی» قابل طرح هستند:

۱. **دیدگاه اول؛ نگرشی کیفی** است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه های زیباشناختی یا روان شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. **دیدگاه دوم، نگرشی کمی** است که بیشتر چشم به جنبه های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن آوری، اندازه ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می روند. بر همین اساس شهر مقوله ای علمی می گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش گذاری است و به این اعتبار، لازم است به روستاها و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی

نگریسته شود.

از دیدگاه عینی و مادی، فضا بستری است که روابط اجتماعی و حیات مدنی در آن جریان می یابد. روابطی که بر مبنای واقعه ها و حادثه ها شکل می گیرند و حیات مدنی را به حیات واقعه ای تبدیل کرده و سبب می گردند تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انباشت خاطره ها گردد (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۵۴). فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. «گهیل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد:

۱. دسته اول «**فعالیت های ضروری**»^۲ و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «**فعالیت های گزینشی و انتخابی**»^۳ تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛

۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «**فعالیت های اجتماعی**»^۱ هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط

1. Urban space

2. Necessary Activities

3. Optional Activities

اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیتهای اجتماعی شکل می‌گیرد.^۲

بارزترین این مثال‌ها معماری لپنسکی ویر^۴ یوگوسلاوی است که مربوط به هزاره هفتم پیش از میلاد است. در این منطقه، هم فرم کلی شهر و فرم هم تک‌تک خانه‌ها دوزنقه‌ای شکل است که مبتنی بر حالت خاص دفن امواتشان است.

او این نکته را نیز خاطرنشان می‌سازد که بناهای مختلف مسکونی و غیرمسکونی هم در گذشته از یک مدل پیروی می‌کرده‌اند و بناهای غیرمسکونی شاخص (مانند فضاهای مذهبی) یا مقیاس‌های بزرگتری داشته، یا تزئینات بیشتری و یا در مکان ویژه‌ای واقع می‌شده است. راپاپورت در تاثیرپذیری معماری از فرهنگ تا آنجا پیش می‌رود که رفتار انسان را به نمایشی تشبیه می‌کند، نمایشی که معماری، صحنه آن‌را برای ایفای بهتر نقش‌ها فراهم می‌سازد. در این نگاه، ساختمان‌ها وسایلی برای تنظیم رفتارهای انسان هستند. به عنوان مثال، خانه مردم تمین^۵ در آفریقا با هدف برقراری ارتباط با نیاکان به منظور طلب برکت از آن‌ها ساخته شده و یا بسیاری از بناهای سنتی در واقع نمایشی از صور آسمانی تلقی می‌شده‌اند. بنابراین راپاپورت یک‌بار دیگر بر نقش مذهب به عنوان نظم‌دهنده نظام ذهنی و نظم‌دهنده نظام فضایی تاکید کرده و به نوعی، خاستگاه معماری در جوامع سنتی را در آموزه‌های حاصل از آن می‌داند. در پایان به اختصار به چند نظریه درباره فضا و مولفه‌های فرهنگی دخیل در آن اشاره می‌شود.

(۲-۳) فضای باز

اصطلاح فضای باز احتمالاً برای نخستین بار در سال ۱۸۳۳ میلادی در انگلستان مورد استفاده بوده است.

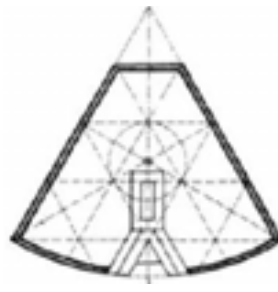


نمودار ۳. انواع فعالیتها در فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گهل، ۱۹۸۷.

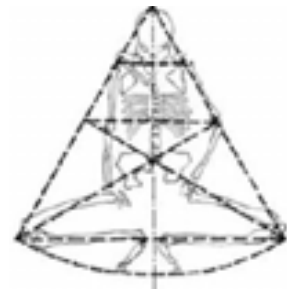
راپاپورت تاکید می‌کند که «هر شیء مصنوعی، هر قدر هم که ساده باشد باید پیش از ساخته شدن، در مقام ایده‌ای وجود داشته باشد. این شیء پس از آن که ساخته شد به ما در یادآوری آن ایده اولیه کمک می‌کند.» بنابراین معماری، تجسد آرمان‌ها و باورهای هر قوم است و آن‌ها را به افراد متذکر می‌شود. در حالت سنتی، این نظم آرمانی را هم در شهر و هم در بناها می‌توان دید چنان‌که به قول آلدو وان ایک^۲ «هر بنا، شهری است کوچک و هر شهر، بنایی بزرگ.» در تایید این نگاه، راپاپورت نیز از چندین مثال عینی یاد می‌کند. یکی از



راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۳۸



راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۶



راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۶

1. Resultan Activities(Social Activities)

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings

Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348-375

- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۲. صص ۴۳-۳۵

3. Aldo Van Eyck

4. Lepenski Vir

5. Temn

جدول ۱. نظریات اندیشمندان در رابطه با فضا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

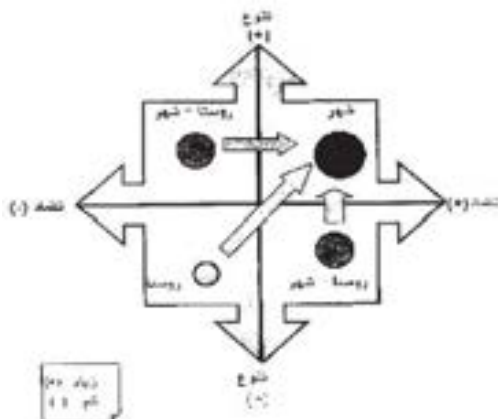
اندیشمندان	نظریات
لینچ	شهر را مهمتر از مجموعه عناصر کالبدی و دربرگیرنده انسانها، فعالیتها و رفتارهایشان می دانست (لینچ، ۱۳۷۴، ص ۱۰). هیچ عاملی به خودی خود به تجربه در نمی آید مگر آنکه در پیوند با زمینه یا محیط اش دیده شود، تسلسل رخدادهایی که سبب بروز آن گشته شناخته گردد و در رابطه با پادها و تجربه های پیشین باشد.
هالپرین	به نظر می رسد اهمیت کارهای وی به دلیل توجه به تجربه فضایی انسان ها بوده به گونه ای که وی همواره بر نقش مردم و حرکات آنان در پایایی و ماندگاری اشاره دارد و زندگی را وابسته بدان می داند و کالبد اعم از ساختمان های قدیمی و جدید در کنار هم را رشته ای زنجیر وار میان گذشته و حال قلمداد می کند (Halprine, 1963,9-14).
هال	به عقیده وی فضاهایی با نمودهای ثابت (بعد های مادی تعمیم یافته از مالکیت) دارای طرح های درونی و پنهانی که نشأت گرفته از فرهنگ و طرح های فرهنگی می باشند. طرح روستاها، شهرک ها، شهرها و مداخله در حومه اتفاقی و تصادفی نبوده بلکه از طرحی که نسبت به زمان و فرهنگ دگرگون است پیروی می کند. (هال، ۱۳۷۶، ۱۴۶)
بیکن	بیکن شهر را بزرگترین دستاورد بشری و حاصل تصمیمات مردم آن می داند (بیکن، ۱۳، ۱۳۷۶). او به منظور اثبات نظریات خود به بررسی شیوه شکل گیری شهرهای قدیمی مثل آتن باستان می پردازد و از نظام های حرکتی سخن به میان می آورد مجاری که کل شهر را به هم پیوند داده و سبب ایجاد یک کل منسجم می گردند (بیکن، ۱۳۷۶، ۳۶-۳۴).
روسی	اهمیت نظریات روسی به دلیل توجه به معماری به عنوان فرآیندی است که گذشته را به آینده پیوند می دهد بنابراین وی شهر را دستاورد ناخودآگاه جمعی و صحنه زندگی، فعالیت ها، رویدادها و عواطف چندین نسل می داند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۳۳۸). او به این واقعیت اشاره دارد که عوامل فرهنگی در شکل گیری ساختار فضا نقش بسزایی را ایفا می نمایند.
راپاپورت	در بسیاری از فرهنگ های سنتی طرح های ذهنی مقدس و معانی از مهمترین ها هستند و فضاها و محیط در آن فرهنگ ها فقط در آن عبارات می توانند فهمیده شوند در فرهنگ های دیگر، سلامت یا بهداشت، اوقات فراغت، انسان گرایی، نوعی از خدا پرستی یا مواردی که با آنها می توان خوب و سالم بود می توانند ارزش هایی باشند که طرح های ذهنی را تبیین می کنند و از این رو در سازماندهی محیط های زیست منعکس شده اند. (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۶۷)
نصر	سخن از سنت، سخن از اصول تبدیل ناپذیری است با منشأ آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلف از زمان و مکان. در عین حال، سخن از تداوم آموزه های خاص و صوری قدسی است که محمل هائی هستند برای انتقال این آموزه ها به انسان و به فعلیت درآمدن تعالیم سنت در درون انسان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار) معماری اسلامی، همچون همه انواع معماری سنتی، با کیهان شناسی مأنوس و مرتبط است پس خود انسان است که با کیهان انس و الفت دارد، او عالم صغیر است و همچون عالم کبیر، بازتابنده حقیقتی ماورائی است. همه تشابهات بین انسان و کیهان بیانگر واقعیتی ژرف اند که سطوح مختلف هستی انسان را به سطوح همخوان با هستی کیهان پیوند می زند. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار)
اردلان و بختیار	بررسی صور نوعی از چند نظر سودمند است. از این راه می توان صاحب فرهنگ نامه ئی از صور ساختمانی شد که راهنمای درک کارهای دیروزیان باشد. آن دُرد تاریخی که پاری از صور به دست می دهند. نمایشگر خاستگاه آنها و حاکی از کاربری ویژه آنهاست؛ و در عین حال مؤید نمادین بودن فطری شان. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۶۷)

یا کلاوسون عملکردهای فضای باز را شامل شش دسته می‌داند: تامین نور و تهویه ساختمانها، تامین مناظر بصری شهری، تامین امکانات تفریحی، تامین حفاظت اکولوژیکی، ایجاد ابزار شکل دهی به شهر و ذخیره زمینهای خالی جهت تامین یک یا تعدادی از عملکردها فوق در آینده. نمونه‌های این فضاها می‌توانند شامل پارکها، شبکه‌های حمل و نقل، فضاهای اطراف ساختمانها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، حیاطهای پشتی خانه‌ها و سایر فضاهای باز خصوصی باشند.

در یک دسته بندی کلان تر، تنکل (۱۹۶۳) دو دسته از فضاهای باز شهری را شناسایی می‌نماید:

(۱) فضاهای باز مورد استفاده که دارای سه عملکرد شامل کاربری (تفریحات، جریان آمد و شد و مانند آن)، چشم انداز و تامین احساسات انسانی (حس خلوت، انزوا و فراخی) هستند و به تناسب و نیازهای انسانی در هر دو بعد فیزیکی و روانشناختی آن توجه دارند.

(۲) فضاهای باز شکل دهنده که دارای دو عملکرد هستند؛ تامین خدمات شهری (تامین آب مورد نیاز و جلوگیری از سیلاب بواسطه جمع آوری آبهای سطحی و ایجاد منطقه ایمن) و کمک به شکل گیری الگوی توسعه شهری (بوسیله ایجاد فضا میان ساختمانها یا محلات، فضایی برای هدایت توسعه و زمین حفاظت شده برای آینده) (Samadhi & Tantayanusorn, 2006).



نمودار ۴. تفاوت‌های مناطق روستایی و شهری؛ ماخذ: نگارنده.

نخستین تعاریف از فضای باز در قرن بیستم حاصل نوعی پنداشت «تهی» از فضا و یا هر آنچه از باقی مانده احجام «پُر» قابل تصور است، می‌باشد (Simeofori-1993). فضای باز در آن زمان بیشتر در قالب فرم شناخته گردیده تا به عنوان یک عملکرد دانسته شود. بدین ترتیب ناحیه‌ای ساخته نشده تلقی می‌شده است. برای بسیاری (مانند: گیدوئن، 1952؛ 8، CIAM) این فضای خالی، محل رویت-پذیری و بهره‌برداری از شهر است که به آن شکل می‌دهد و الزاماً نباید یک پارک سبز باشد؛ چراکه به عنوان یک «منظر شهری» در برابر «منظر طبیعی» شناخته شده و پدیده‌ای انسان ساخت است و نباید با باغهایی که ساختمانها در آن گم می‌شوند، خلط گردد. شیوه طراحی «فضای مابین اشیاء» که توسط عملکردها، قوانین و معانی انباشته می‌شود، در آرای بسیاری از نظریه پردازان انتقادی جنبش مدرن مشهود است. کوین لینچ (۱۹۶۳) در تعریفی فضای باز خارجی را فضایی با قابلیت انتخاب آزادانه، محل تحقق فعالیت‌های خودجوش، جنبشها و یا مکان جستجوی بصری تعداد کثیری از مردم شهر می‌داند (Samadhi & Tantayanusorn, 2006). تعریف لینچ به عنوان یک شهرساز منتقد به دو بعد فرم و عملکرد فضای باز توأمان توجه می‌کند. فضای باز در این مفهوم به عنوان فضای محصور شده توسط توده‌های ساختمانی و عناصر طبیعی تعریف می‌شود که محوطه‌های بازی را برای زندگی و یا انجام کارهای مشخص و یا نامشخصی مهیا می‌نماید و تاثیرات مثبت یا غیرمثبتی بر میزان حس مفید بودن و معنا داشتن به محیط یا افراد پیرامون خود می‌دهد (Germeraad, 1992). در سایر تعاریف فضای باز چه بصورت تلویحی و چه به شکلی صریح توجه به نیازهای فیزیکی و روانشناختی انسانها مورد نظر بوده است. به عنوان مثال، ویلکینسون (۱۹۸۳) فضاهای شهری را دارای شش خصوصیت جامع می‌داند. شامل: قابلیت گزینش، برانگیزاننده حس تسلط، متعادل و آرام کننده پویایی انسان، قابلیت ایجاد روابط اجتماعی، حس خودشکوفایی و برقراری ارتباط با طبیعت (Samadhi & Tantayanusorn, 2006).

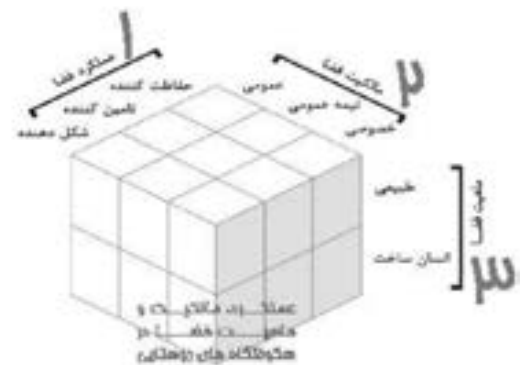
در این حالت ترکیبی از فضاهای سبز و فضاهای شهری است. واضح است که دسترسی به اشکال مختلف طبیعت از نیازهای بنادین انسانی و بنابراین بخش بسیار ضروری فضاهای باز محسوب می شود (Thompson, 2002). توجه به فضاهای سبز در قالب پارکهای عمومی از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در غرب و در پاسخ به مطالبات اجتماعی به تسهیلات تفریحی و کاهش استرسهای اجتماعی که عامل تهدید کننده نظم اجتماعی و سیستم حکومتی به شمار می روند، مورد توجه بوده است (Maruani & Co-2007). هم اکنون حمایتهای مردمی فراوانی جهت تامین فضاهای باز سبز عمومی در نواحی شهری وجود دارد (Wu & Plantinga, 2003) و تاکید روبه رشدی نیز در اهمیت فضاهای باز سبز در سلامت فیزیکی و روانی شهروندان دیده می شود (McConnachie & Shackleton, 2010). همچنین امروزه مفهوم فضای باز با فضای سبز گره خورده است. بنابراین فضاهای باز را می توان بسته به میزان خصوصی و عمومی بودن آنها به فضاهای باز عمومی، فضاهای باز نیمه عمومی و فضاهای باز خصوصی تقسیم نمود. از سوی دیگر فضاهای باز را بسته به نوع عملکرد آن می توان به سه دسته «فضاهای باز تامین کننده» (تفریح و سرگرمی، سلامت شهروندان، ارزشهای زیبایی شناسی - بصری، نیازهای روانشناختی، تنوع فرهنگی و سایر خدمات اجتماعی)، «فضاهای باز حفاظت کننده» (ارزشهای طبیعی و اکوسیستم، تنوع زیستی، خاطرات جمعی) (McConnachie & Shackleton, 2010; Thompson, 2002; Geoghegan, 2007; Maruani & Cohen, 2002) و «فضاهای باز شکل دهنده» (شکل دهنده به توسعه شهری، نواحی حومه ای) تقسیم نمود (Samadhi & Wile, 1978). مدل پیشنهادی زیر (نمودار شماره ۴) گستره مفاهیم و تعاریف فضای باز شهری را در قالب مکعبی مفهومی معرفی می نماید. این فضاها با توجه به ماهیت طبیعی یا انسان ساخت بودن آنها و بسته به دامنه خدمات رسانی خود در مقیاس فردی - خانوادگی، زیرمحلله ای، محلی، منطقه ای، شهری و حتی منطقه ای قابل تعریف بوده و ابعاد و اندازه آنها بر این اساس مشخص می شود.

محققان متعددی درصدد کشف عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی فضاهای باز هستند. در این راستا متغیرهای متعدد موثر بر ارزیابی کاربران، مورد بررسی و اکتشاف قرار گرفته است. متغیرهای زیبایی (Amole, 2010; Hur et al., 2009b)، وسعت و ناحیه طبیعی (Amole, 2009b; Hur et al., 2010)، تعامل اجتماعی (Amérgo, Aragónés, 1990; Ge, Hokao, 1990; ۲۰۰۶)، ایمنی خدمات و تسهیلات (Amérgo, Aragónés, 1990; Ge, Hokao, 2006)، نگهداری (Amole, 2009b)، و آسایش محیطی (Thorsson et al., 1990) از جمله مهم ترین این متغیرها هستند. اما آنچه در فضاهای باز اهمیت زیادی دارد میزان قابلیت دسترسی عموم مردم بدان است. فضای شهری با بسیاری از سرمایه های عمومی عجین شده است (Geoghegan, 2002). اصطلاح «**فضای عمومی**» در بسیاری موارد بجای «**فضای باز**» نیز مورد استفاده است. در ادبیات دانشگاهی فضای عمومی طبیعتی چند بعدی دارد؛ مانند عمومی به مفهوم عام، حوزه عمومی، باورهای عمومی و زندگی عمومی که همگی به تعداد کثیری از مردم، جامعه و کشور اطلاق می شود که در تعامل یا تقابل با حوزه خصوصی قرار می گیرد. محیط شهری حاصل ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی است (Madanipour, 2003) که در فضای عمومی زندگی عمومی بر خلاف زندگی خصوصی جاری است. با این حال فضاهای عمومی حاصل درجات مختلفی از «عمومی بودن» و «خصوصی بودن» هستند که دارای اهداف عملکردی و نمادین می باشند (Man-del, 2010). در این تعاریف فضای عمومی مکانی است که در آن مقتضیات زندگی خصوصی و همگانی آشکار می گردد. چراکه در زندگی جمعی همواره تعادلی پویا میان فعالیت های عمومی و خصوصی وجود دارد (Turel et al., 2007). از سوی دیگر فضای باز بخشی از محیط شهری است که توسط تسهیلات رفاهی خود چه بصورت بصری بوسیله داشتن تاثیرات مثبت بر منظر شهری و چه بواسطه دسترسی عمومی تأثیرگذار است. فضای باز

نام الگو	توضیحات
۱ الگوی طبیعی	این الگو در چشم انداز طبیعی موجود می باشد و از جریان انرژی زمین شناسی طبیعت مواد فرایند رشد و زوال منتج می شود. این الگوها با می توان بر اساس ابعاد یا کلمات و بهتر از همه بوسیله ترسیم و نقشه کشیدن نمود.
۲ الگوی اجتماعی	الگوهای اجتماعی تریه رفتارهای شهروندان که مکانی را برای رفع احتیاجاتش به افلا سرزند حمل و نقل آسایش و امنیت برمیگزیند.
۳ الگوی زیباشناسی	از جمله تزیینات باطنی استوارسازی، نمادسازی، تزیین و استعاره گوی، تدریجی، فلسفه، شعر، موسیقی و داستان سرایی قنات می گویند و تزیین نمودن و تزیینات هنرمند یا تزیینات لوژرزیلی های طبیعت می باشد.
۴ الگوی نمونگاری	الگوهای سرمشق ترکیب انتخاب شده الگوهای قبلی هستند و نمونه هایی می باشند که از موفق بودن شان اطمینان حاصل شده است. جایگاه آنها در طراحی محیط بیرون که هنری منکی بر مکن است همانند اجزای یک کل است.

جدول ۲. الگوهای طراحی فضاهای باز؛ ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

معاصر تأیید شده است (Walton et al, 2007). یان گل، معمار و شهرساز دانمارکی، در پژوهشهای خود به تبیین بهترین خصوصیت‌های مکانهای عمومی بواسطه محافظت در برابر عوامل منفی اقلیمی و مواجه با عوامل مثبت آن توجه دارد (Nikolopoulou & Lykoudis, 2007). سایمون بل و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی نقش بادشکنها را در کنترل جریان هوا در فضاهای باز خارجی شهر، شبیه سازی می نمایند (Li et al, 2007). علاوه بر عوامل جوی، سنجش تاثیر جنس مصالح بکار رفته در کفسازی فضاهای باز نیز مورد توجه بوده است (Tna & Fwa, 1992). از آخرین پژوهشهای انجام شده در این حوزه می توان به تحقیقی در زمینه تاثیر هندسه فضاهای شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت هوا در فضاهای باز نام برد که در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است (Kruger et al, 2011). البته مشابه چنین پژوهشی نیز پیشتر در سال ۲۰۰۶ در نمونه موردی کشور مراکش صورت پذیرفته است. درکنار شرایط اقلیمی، عوامل محیطی نیز به موضوعات مورد توجه تبدیل شده اند. تاثیر صوت بر فضاهای باز شهری از این جمله است. کانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های موجود میان نظرات طراحان و بهره بردان با توجه به مشخصات جمعیت شناسی هر گروه در خصوص اهمیت اصوات طبیعی در فضاهای سبز باز و آستانه‌های هر گروه می پردازد (Kang & Zhang, 2010). سالها پیش از او نیز آلودگی صوتی ایجاد شده توسط خطوط راه آهن در فضاهای باز مورد بررسی قرار گرفته بود (Mkare-wicsz & Youshida, 1996). علاوه بر این، بخشی از پژوهشها نیز به حوزه مطالعات تطبیقی میان کشورها



نمودار ۵. مدل مفهومی گسترده مفاهیم فضای باز؛ ماخذ: نگارنده بر اساس جمع بندی مبانی نظری.

۳-۳) رویکردهای محیطی معاصر به فضاهای باز در سکونتگاه های انسانی

رویکردهای تشخیص داده شده به ترتیب شامل: «رویکرد اقلیمی- محیطی، بهداشتی- سلامتی، حفاظتی- زیست محیطی و برنامه ریزی- مدیریتی» می باشند.

۱- رویکرد اقلیمی- محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

با وجود اینکه توجه به آسایش فیزیکی کاربران در فضاهای بسته داخلی از دهه ۷۰ میلادی با افزایش قیمت حاملهای انرژی در جهان به شدت مورد توجه بوده است، تامین شرایط بهینه آسایشی مردم در فضاهای باز کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. رویکرد اقلیمی- محیطی به بررسی شرایط مناسب محیط مانند نور، تابش، سایه و جریان هوا بر راحتی کاربران فضاهای باز خارجی و عمومی شهر می-پردازد. نقش شرایط مطلوب محیطی بر استفاده از امکانات فیزیکی در پژوهشهای

و یا اقلیمهای متفاوت و مقایسه راهکارها و راهبردهای آنها اختصاص دارد.

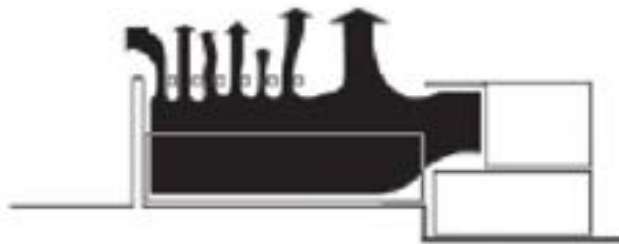
۲- رویکرد بهداشتی- سلامتی در فضاهای باز شهری و روستایی

فضاهای سبز باز در مجاورت محله‌ها (مانند پارکها، باغهای عمومی، زمینهای بازی و دهکده‌های سبز) می‌توانند امکان پیاده‌روی سالمندان و فعالیتهای فیزیکی کودکان و جوانان را فراهم آورند. شواهد در حال افزایش فراوانی نقش مثبت محیط را بر میزان فعالیتهای فیزیکی تأیید می‌کنند (Coombes et al, 2010). بررسی عوامل تأثیرگذار مانند فاصله، جذابیت و اندازه فضاهای باز شهری در افزایش پیاده‌روی مردم و نیز تاثیر ویژگی‌های فضاهای باز محله بر میزان پیاده‌روی سالمندان (Corti, 2005)، موضوع بسیاری از پژوهشهای معاصر است (مانند: Hillsdon et al, 2005; Sugiyama & Thompson, Jackson, 2003; 2008). افزایش توجه به مدل‌های اکولوژیکی در پژوهشهای مرتبط با فعالیتهای فیزیکی که به بررسی محل وقوع فعالیتها توجه دارد، محققان را به سنجش متغیرهای محیطی و برنامه‌ریزی بر میزان مشارکت در فعالیتهای فیزیکی سوق داده است. علاوه بر فضاهای باز عمومی، نقش فضاهای باز نیمه عمومی مانند فضاهای باز مهدکودکها و مدارس در تشویق کودکان به بازی و تحرک (Cosco et al, 2010) فراوان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- رویکرد حفاظتی- زیست محیطی در فضاهای باز شهری و روستایی

توجه به مسائل اکولوژیکی در فضاهای باز شهری که

نخستین بار در کارهای معماران منظر قرن ۱۹ و ۲۰ ماند آلمستد، الیوت و گدز مطرح شد، هم اکنون با توجه به رشد بی‌رویه شهرها که پیامدهای گسترده‌ای بر حیات حیوانات و اجتماعات انسانی دارد به موضوع مهمی در پژوهشهای معاصر تبدیل شده است. رویکردهای اکولوژیکی به فضاهای باز شهری بویژه پارکها بر تنوع پوششهای گیاهی متکی است و به مدلهای انعطاف پذیر توجه دارد. محدودیت قابلیت تغییرپذیری متناسب با چرخه طبیعی رشد با توجه به اندازه کوچک پارکهای شهری، توجه به موضوعات جدیدتری مانند کانالهای آب، نهرها و خطوط راه آهن را سبب شده است. همچنین تغییرات شدید در منظر طبیعی و سیاستهای ضد مرکزگرایی شهری در کلانشهرها مرکز توجه را به حفاظت از فضاهای باز متمرکز و بدین ترتیب فضاهای باز را به مهمترین موضوع در سیاستهای شهری تبدیل کرده است (Bowman et al, 2009; klaiber & Pha- 2006; Anderson & west: 2006; neuf, 2010). سیاستگذاران تلاشهایی برای حفاظت از فضاهای باز با ابزارهایی مانند قوانین منطقه بندی، مالیات بر ساخت و ساز، تعیین محدوده توسعه شهری، تبیین حقوق حفاظتی و کنترل منافع عمومی در زمینهای توسعه یافته، انجام داده‌اند (Kotchen & Powers, 2006). امروزه رویکرد حفاظتی به فضاهای باز شهری شامل جمع آوری و تحلیل داده‌ها از منابع طبیعی و شناسایی زمینهای با ارزش جهت حفاظت و یا زمینهای مخاطره آمیز جهت توسعه، به عنوان فضای باز است که اغلب توسط توسعه بافتهای مسکونی تهدید می‌شود. پژوهشهای متعددی به نقش



تصویر ۱. فضای باز پیوسته و متداوم در پلان حاصل باقیمانده فضای میان احجام داخلی و حصار خانه است. در مقطع این فضای باز از تراز همکف به فضای زندگی بام تداوم می‌یابد تا به آسمان منتهی شود

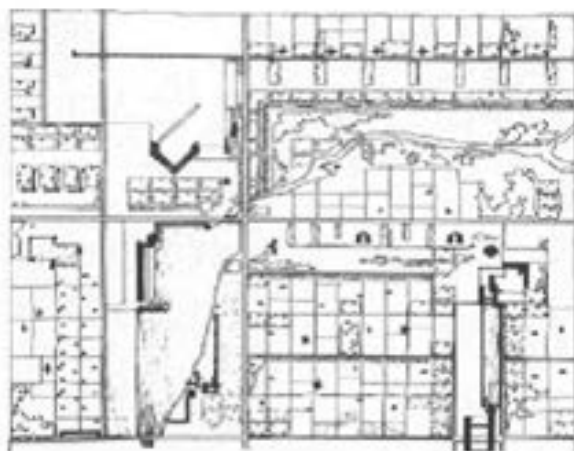
این فضاها در کنترل و یا تشدید توسعه شهری توجه دارند. دیگر پژوهشها به نقش مردم و ساکنین در حفظ فضاهای باز شهری و بویژه فضاهای طبیعی پرداخته اند. به عنوان مثال میزان رغبت ساکنین به پرداخت هزینه جهت حفاظت از فضاهای سبز شهری در شهر هنگ کنگ (۲۰۱۰) مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان دهنده تمایل ۸۰٪ مردم در بازبانی حدود ۲۰٪ از فضاهای سبز شهری از دست رفته است (Lo & Jim, 2010). نمونه‌های فراوان دیگری نیز در دیگر شهرهای جهان انجام شده است (مانند: Austin, 2004; Bengston et al., 2005; Ryan, 2002).

۴- رویکرد برنامه ریزی- مدیریتی در فضاهای باز شهری و روستایی

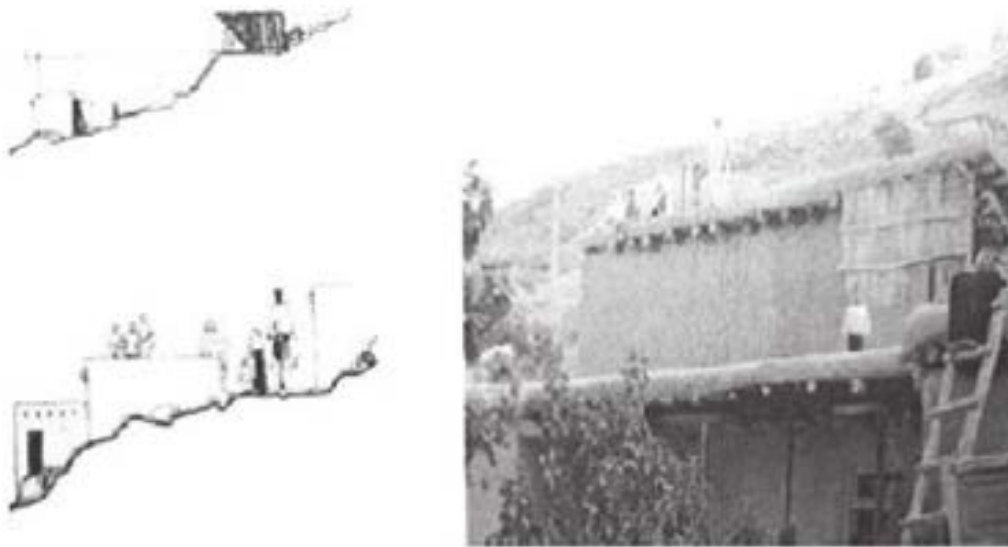
در طول سالها برنامه ریزی در زمینه فضای باز دو رویکرد کلان قابل شناسایی هستند. رویکرد نخست که بیشتر مورد توجه برنامه ریزان و جغرافیدانان است متکی بر تامین نیازهای انسانی مانند تفریح، تسهیلات رفاهی و کیفیتهای محیطی است. رویکرد دوم که حاصل نگاه اکولوژیستها و مرمت کاران منظر است بر حفاظت از منظر موجود و منابع طبیعی کنونی تاکید دارد (Maru-ani & Cohen, 2007). مدلها و روشهای برنامه ریزی متعددی تا کنون مورد استفاده بوده است. تهیه استانداردهای فیزیکی، سرانه ها و بررسی سیستمهای

۳-۴) نسبت فضای باز و بسته در سکونتگاه های روستایی

در روستاها بسیاری از عملکردهای مرتبط با نیازهای زندگی روزمره و معیشت در فضاهای باز مجاور مسکن استقرار یافته اند. وجود عناصر نیمه باز که به عنوان یک مفصل بین فضای باز و بسته عمل می نمایند نیز از دیگر نکات مهم می باشند. موردی که باید به آن اشاره شود ارتقاء نسبت بین فضای باز و بسته از جنبه کالبدی



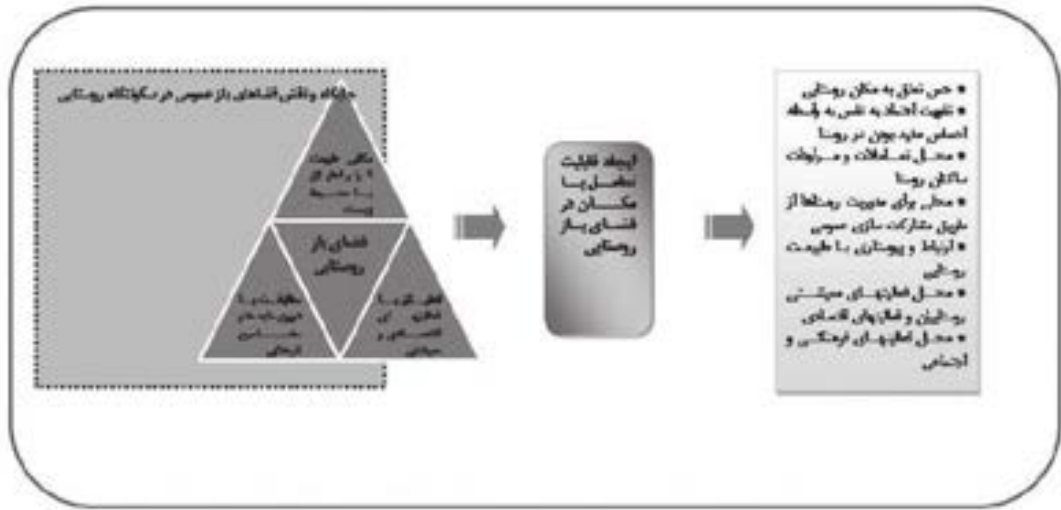
تصویر ۲. تمامی ساختمانها در طرح راییت توسط فضای باز و سبز وسیع احاطه شده اند (اوستروفسکی، ۱۳۸۷، برگرفته از مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳).



تصویر ۳. کاربرد فضاهای باز به عنوان فضاهای جمعی در روستا: ماخذ: نگارنده.

جدول ۳. الگوهای طراحی و توپولوژیک در نمونه های بومی و نوگرا

ردیف	نام کشور	نمونه خانه یا منطقه	الگوی طبیعی	الگوی اجتماعی	الگوی زیست‌شناسی	الگوی نمونهای	توضیحات
۱- الگوهای بومی - سنتی اسلامی در آسیای شرقی	مالزی	مالاکا	●	●	●	●	فضای باز گسترده و پیوسته و بدون مرزهای فیزیکی که توسط ماشینات اجتماعی کنترل و محدود می‌شود.
	چین	تورنگان	●	●	●	●	فضای باز پیوسته حاصل فضای باقی‌مانده از چیدمان انجام دانه‌ای حصار خانه است و در سطح این فضای باز از تراکم خاک به فضای زندگی در پام تاخود می‌باشد تا به آسان منتهی شود.
	هند	برهرا	●	●	●	●	فضای باز پیوسته مابین توده فضای دانه‌ای تکه محصور است تا سرانجام به آسان منتهی شود.
۱- الگوهای بومی - سنتی اسلامی در آسیای میانه	ازبکستان	بخارا	●	●	●	●	فضای باز مابین توده فضای دانه‌ای تکه محصور است و هر چند به طور کامل باقی‌مانده چیدمان انجام دانه‌ای حصار خانه نیست ولی حتمه آن پیوسته حصار پیرامونی‌اش تجدید می‌شود.
	ایران	یزد	●	●	●	●	فضای باز مقطع و متغیر، باقی‌مانده انجام تور نیست بلکه خود چاهگاه به عنوان یک عنصر طراحی می‌شود و در دیون حجم کس خانه فراوان دارد.
	عمان	جده	●	●	●	●	فضای باز تنها در آخرین تراز وجود دارد. در پلان فضای باز باقی‌مانده فضاهای پر تنگی می‌شود که باید خصوصیات فضاهای باز و مابین نیست.
۱- الگوهای شهرسازی نوگرا در غرب	اسپانیا	شهر کلمن	-	●	-	●	فضای باز با محدوده مالکیت فیزیکی زمین توسط مالک مشخص می‌گردد و صرفاً خانه را تشابه می‌نماید. خانه به اجزاء توپولوژیک در دیون آن قرار دارد.
	انگلستان	پان‌شهر	-	●	-	●	فضای باز پیوسته و مشترک برای چند خانه و مابین آنها تعریف می‌شود و فاقد مرزهای خصوصی است.
	فرانسه	شهر سنتی	-	●	●	●	فضای باز گسترده همچون طرف خانه‌ها را از خود جای می‌دهد و بدون مرز فیزیکی پیوستگی داشته و تاخود می‌باشد.
	فرانسه	شهر درختان	-	●	●	●	فضای باز بصورت گسترده پیوسته و سیال در میان برج‌های انبساطی است و فضای مابین نیز میان اصلاح ساختمان‌های دانه‌ای شکل و کم ارتفاع مسکونی تعریف می‌شود.
	آمریکا	شهر پهن‌دستی	●	●	●	●	فضای باز گسترده و پیوسته است و انجام مصارفی را در بر می‌گیرد.



نمودار ۵. جایگاه فضاهای باز در سکونتگاه های روستایی؛ مأخذ: نگارندگان.

بسیاری از جنبه های ارزشمند مرتبط با آن به دلیل سیطره پارادایم های متأثر از زندگی شهری؛
۲. دوم: از میان رفتن شیوه های معیشتی زندگی روستائی؛ به عنوان مثال زمانی که روستائی ماست و لبنیات خود را از شهر تهیه می کند، دیگر وجود عناصر مرتبط با فرآوری شیر و حوزه های فضایی مرتبط با آن موضوعیت خود را از دست می دهد.

در رابطه با موارد فوق الذکر، شاید مجدداً بتوان به شکلی کلی به نظریه قطع ساختمانی ارجاع داده و از آن کمک گرفت. فضای باز و نسبت آن با فضای بسته اگر چه ممکن است از نظر متکلمین به زبان دیگر در اقلیم های مختلف یگانه باشد، ولی با نگاهی عمیق تر تفاوت هایی بنیادی را می توان دریافت. عدم توجه به این تفاوتها از

به جنبه های عملکردی و بنیادی می باشد. در برخی پهنه ها نسبت بین دو فضا کاملاً دارای وجهی کاربردی بوده و جنبه فرمال و کالبدی آن دارای وجهی تبعی می باشد.

(۴) بیان یافته های تحقیق

(۱-۴) بازشناسی نسبت بین فضای باز و بسته در

طراحی مسکن روستایی

زمانی که کل طراحی معطوف به فضای بسته گردد به این معناست که بخشی تفکیک ناپذیر از یک ارگانیزم را از شبکه ارتباطی متقابل عناصر تشکیل دهنده آن حذف کرده و به نوعی آنرا متلاشی نمائیم. به نظر می رسد به دو دلیل این استحاله درک نمی شود:

۱. اول: استحاله فرهنگی در روستاها و رنگ باختگی



تصویر ۱: نمای خانه ای از گونه مالاکا با ستون های برآمده از زمین در جنوب مالزی (Wardi Sudin, 1987)



تصویر ۲: شیوه ساماندهی فضاهای باز و مابین (سطوح سبزه رنگ) در سطح افقی (پلان) و در تراز همودی (نما) (مأخذ تمامی تحلیل ها از نگارندگان است).

تصویر ۳. شیوه سازماندهی فضای باز در سکونتگاه روستایی مالاکا؛ مأخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

یکسو و از سوی دیگر تفاوت‌های بنیادی و ساختاری مجموعه آنها با مقولات شهری بسیار مهم بوده و می‌تواند به استحاله پارادیم‌های مرتبط با زندگی روستائی و شیوه معیشت آن منجر شود.

(۲-۴) نحو و ساختار طراحی فضاهای باز در طراحی مسکن روستایی

در رابطه با نحوه و ساختار آن در طراحی سکونتگاه‌های روستایی بطور اعم و فضاهای باز روستایی بطور اخص، باید گفت که در نظم فضایی و نظم ساختاری مفاهیم را تنها به شکل ذهنی می‌توان تفکیک کرد. مفاهیم به صورت نمادی از طریق علایم، رنگ‌ها، فرم و منظر بیان می‌شود. در روستاهای سنتی، نظم مفاهیم تطابق تقریباً کاملی با نظم فضایی دارد. در مجتمع‌های زیستی و روستاهای مدرن نظم مفاهیم به صورت سیستم نمادی مستقلی برای بیان موقعیت‌های اجتماعی درآمده و از نظم فضایی فاصله گرفته است. ارتباط نظم داده شده، کنترل روابط میان انسان و انسان، انسان و اشیاء، اشیاء و اشیاء است. این عامل نیز با دو عامل قبل هماهنگ است؛ به طوری که ارتباط میان محیط و انسانها از طریق مفاهیم صورت می‌گیرد. محیط زیست روستاها قادر است با به کارگیری نظم فضایی و مفهومی بر نظام ارتباطات تأثیر گذارد. نظام فضایی روستاها منطبق بر نظام مفاهیم می‌تواند ماهیت، جهت و حجم ارتباطات را تعریف و کنترل کند. زمان ممکن است به دو معنی درک شود؛ نخست زمان در مقیاس وسیع مانند زمان طولی یا دورانی و دوم آهنگ فعالیت‌های انسانی. از سوی دیگر سرعت وقوع فعالیت‌ها در واحد زمان و نحوه توزیع آنها در طول زمان، برداشت دوم از نظم زمانی را آشکار می‌کند.

باید گفت که «معماری زمینه‌گرا خاصه در مناطق بومی و روستایی»، تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلانتر از معماری است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون معماری روستا با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه‌عاملی

مثبت و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی است که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد روستاهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی‌های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی فضاهای باز روستایی بطور اخص و روستا بطور اعم، در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است. به طور کلی در طراحی متناسب با زمینه باید به شکل کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای روستا در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت. اما انسان همواره در سیر تاریخی خود با دو منبع عدم قطعیت روبرو بوده است: طبیعت و جامعه.

برای بدست آوردن یک برآوردی از نیروهای طبیعی و مهار آنها تا جای امکان و قرار دادن آن در چارچوب‌های مکان برای کنترل نیروهای اجتماعی ضروری‌ترین نگرانی‌های سکونتگاه‌های شهری است. تکنولوژی به عنوان یکی از وجوه اصلی معماری باید در سیری تدریجی و تداومی همراه با معماری، فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی رشد نموده و به صورتی ذوب شده در معماری به کار گرفته شود. پس به روشنی می‌توان گفت که آن معماری‌ای که توانایی تداوم حیات و رفع نمودن نیازهای انسانی را دارد که بتواند با شرایط نوین خود را تطبیق دهد و متناسب با مناسبات نوین اجتماعی در سطوح گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی - عمومی نه تنها کالبدهای جدید ارائه دهد، بلکه خود پیشرو در ارائه کالبدهای نوین برای ایجاد روابط نوین اجتماعی و دگرگونی‌های اجتماعی باشد.

همچنین در رابطه با استحاله فرهنگ در مناطق روستایی و تاثیرگذاری آن بر فضاهای باز در روستاها می‌توان به نتایج تحقیق در قالب جدول ۴ اشاره کرد. در پایان باید گفت که مقوله فرهنگ خاصه در مناطق روستایی مقوله‌ای پیچیده و در عین حال غامض است که درک آن بدون شناخت مولفه‌ها و متغیرهای مرتبط با آن قدری مشکل و تاحدودی ناممکن بنظر می‌رسد. در این پژوهش و در انتها برای ارتباط و تعامل سازنده فرهنگ و معماری روستاها خاصه در مناطق باز و

جدول ۲. ابعاد محوری هر یک از رویکردهای معاصر به جایگاه و نقش فضاهای باز در سکونتگاه های انسانی؛

ماخذ: یافته های تحقیق.

نوع رویکرد؛ ابعاد مفهومی فضای باز	عملکرد فضا			مالکیت فضا			ماهیت فضا	
	تامین کننده	حفاظت کننده	شکل دهنده	عمومی	نیمه عمومی	خصوصی	طبیعی	انسان ساخت
اقلیمی - محیطی	×	-	-	×	×	-	×	×
بهداشتی - سلامتی	×	-	-	×	×	-	×	×
برنامه ریزی - مدیریتی	×	×	×	×	×	-	×	×
حفاظتی زیست محیطی	×	×	-	×	-	-	×	-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۷

جدول ۳. رویکردهای زمینه‌گرایی طراحی فضاهای باز در معماری زمینه‌گرایی مناطق روستایی؛

ماخذ: نگارنده.

زمینه‌گرا	ساختارگرا	زیبایی‌گرا	سازمندگرا	کل‌گرا	وحدت‌گرا	رویکرد طراحی فضاهای باز روستایی
همگرایی اجزاء با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی جمعی	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل در بستر روستا	تأثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر در بستر روستا	گرایش اجزاء به هنگام شکل‌گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل‌گیری اجزاء بستر روستا	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل بستر روستا	مبانی کلیت و انسجام
همخوانی با زمینه‌های کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی	عناصر فضایی و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص بستر روستا	هماهنگی و تناسب اجزاء	همگرایی با روندهای طبیعت در بستر روستا	تبعیت از روابط حاکم بر کل	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	عامل تعیین‌کننده کلیت و انسجام
روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش شهودی بر مبنای دریافت روندهای طبیعت در بستر روستا	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش‌شناسی
ایجاد کل معنی‌دار	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا در بستر روستا	ایجاد کل آراسته و هماهنگ در بستر روستا	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روندهای طبیعت در بستر روستا	ایجاد کل یکپارچه با نظمی در هم نفوذ یافته در بستر روستا	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت	هدف از کلیت

زندگی مناسب در جامعه ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها خواهیم بود؛ چنانچه در ارایه ضوابط برای طراحی روستاها در زمان کنونی، به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی در فضاها و معماری اقوام خاص توجه کافی مبذول گردد، مسکن بومی و فضای باز و معماری حاکم بر آن از کارایی مناسب بهره‌مند می‌گردد.

۳. «ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت و اجرا»: لزوم در نظرگیری الگوهای بومی ساخت مسکن که مبتنی بر آداب و رسوم اجتماعی ساخت مسکن در مناطق مختلف کشور است، می‌توان انتظار داشت تا بیشینه انطباق مسکن و نیازهای فرهنگی-اجتماعی مردم فراهم گردد؛ لذا ضرورت تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های ساخت مسکن در روستاهای کشور امری ضروری بنظر می‌رسد.

۴. «شناسایی کارکرد مفهوم مسکن در قومیت‌ها و مقوله مسکن بومی»: بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه‌شناسی فضاهای باز و تحلیل ویژگی‌های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان‌های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم

رسیدن به جایگاه ارزنده برای مطالعات شناخت‌شناسانه اجتماعی در طراحی سکونتگاه‌های روستایی به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. «ضرورت شکل‌دهی سازماندهی اجتماعی فضا در مناطق روستایی»: ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان، دچار تغییر، دگرگونی و حتی تحول است. بدین‌سان مشاهده‌ی تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای روستاها و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود. لذا برای تحقق این تداوم نیازمندی به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۲. «ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری سکونتگاه‌های روستایی»: گفته شد که دگرگونی‌ها و استحاله‌های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی متولد کرده‌اند که امروزه برای

جدول ۴. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری فضاهای باز در مناطق روستایی؛

ماخذ: نگارنده.

ارکان اجتماعی	جوامع سنتی روستایی	جوامع مدرن روستایی
الگوهای فرهنگی در روستا		
ارزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل فرهنگی؛ اندک در روستا	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی شدن در عصر اطلاعات در روستا
هنجارها	مظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام بومی	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام بومی
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی در روستا	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر در روستا
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتصابی؛ وظایف تخصصی محدود در روستا	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتصابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد در روستا
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف در روستا	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت متناهی در روستا
ارتباطات	چهره به چهره در روستا	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی در روستا
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی در روستا	پلیس رسمی و سیستم قانونی در روستا
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک در روستا	الگوهای شش‌ناور نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه در روستا
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتموم؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ کاهش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	کاهش کشاورزی؛ و مهاجرت برای کار
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	تحصیلات ابتدایی همگانی همراه با رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۱۹

مورد توجه بیشتری باشد؛ چنانچه امروزه درصد اندکی از مطالعات حوزه معماری به بررسی مولفه‌ها و متغیرهای فرهنگی وارد بر، یا دخیل در، معماری مربوط می‌شود. برای تحقق این هدف، گونه‌شناسی فضاهای باز و نقد و تحلیل اجزا و عناصر به لحاظ کاربرد آنها از جنبه‌های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه‌ای است که باید مولفه‌های طراحی بر اساس نیازسنجی و مطلوبیت سنجی واحدهای مسکونی برای افراد ساکن باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شکل‌گیری مسکن و ارتباط آن با فضاهای باز و بسته، متأثر از ویژگی‌های محیط انسانی و محیط طبیعی می‌باشد و تعامل و تفاوت بین این ویژگیها، گونه‌های مختلف مسکن را پدید آورده است، به بیانی دیگر

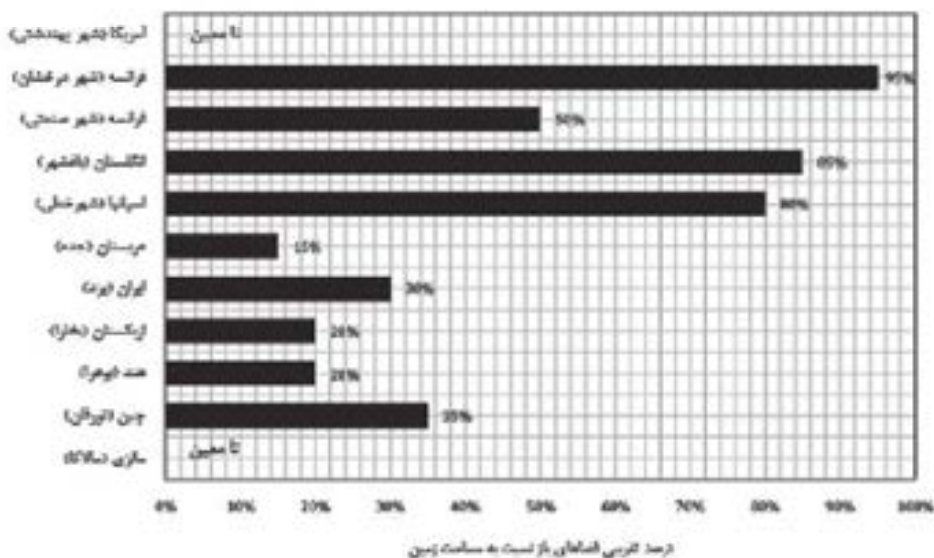
به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، ارایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکل‌یابی مسکن بومی و فضاهای باز باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که برای آن طراحی می‌کنند، صورت پذیرد.

۵. «التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد

در مقوله طراحی فضاهای روستایی»: در نظر گرفتن نحوه تعامل سازنده معماری و فرهنگ و چگونگی ارتباط پذیری آنها با یکدیگر که باید در راستای بسط و گسترش و یا به عبارت بهتر، استعلای مولفه‌های فرهنگی- اجتماعی و مولفه‌های طراحی معماری روستایی باشد، از مهمترین مواردی است که انتظار می‌رود در پژوهشها و مطالعات فرهنگی و در حوزه معماری

جدول ۵. مقایسه ویژگیهای کلی فضاهای باز در نمونه‌های معماری بومی اسلامی و نظریه‌های نوگرا؛
 ماخذ: مظفر و اسدپور، ۱۳۹۳.

نام کشور یا نظریه	ژاپن	آلمان	سوئد	دانمارک	ایران	ترکی	اسپانیا	شهر پاریس	شهر دبی	شهر سنسلی	بانشهر	شهر پکن	شهر پکن
دارای موز فیزیک	-	-	-	-	●	●	●	●	●	●	●	●	●
یونسته و بدون موز فیزیک	●	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
محصور و باقی مانده انجام کالبدی	-	-	-	-	●	●	●	●	●	●	●	●	●
محصور و به مثابه عنصر طراحی شده	-	-	-	-	●	-	-	-	-	-	-	-	-
استقرار در تراز همکف	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
استقرار در تراز بام	-	-	-	-	●	-	-	-	-	-	-	-	-

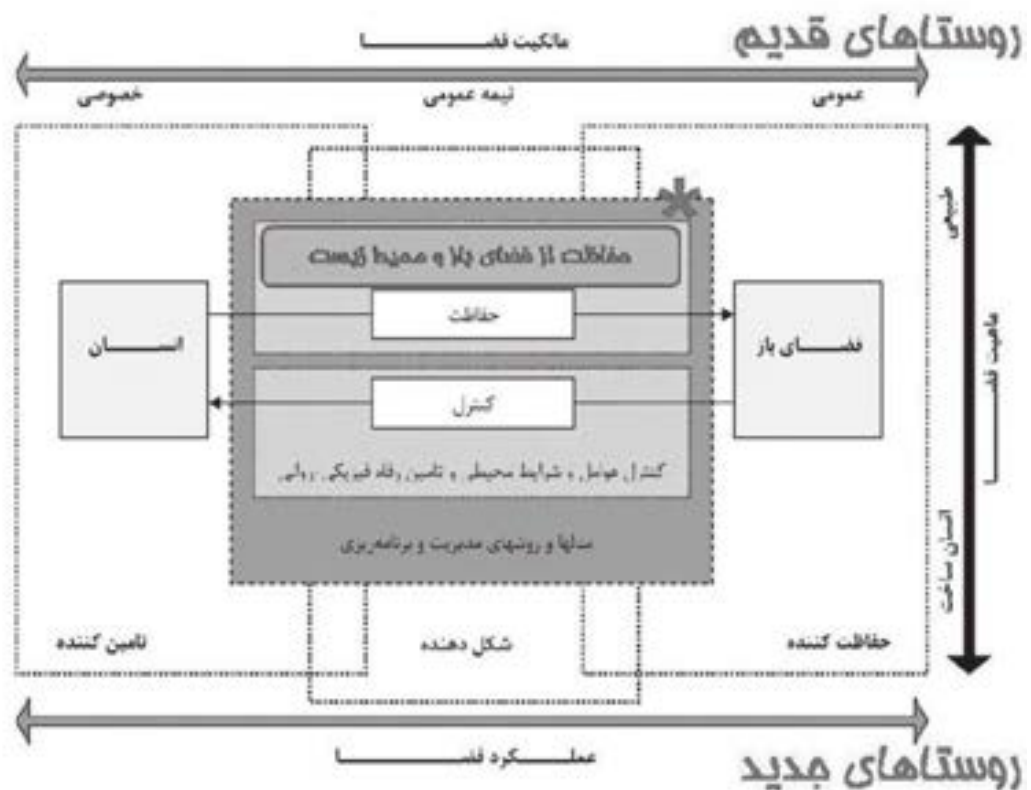


عوامل شکل دهنده خاصه در مناطق روستایی در حال استحاله را نمی‌توان به یک عامل نسبت داد و یا به طور مجزا بررسی نمود، زیرا گنش‌هایی که مابین عوامل متعدد در شکل‌گیری فضای باز و بسته رخ می‌دهد، در اثر پیچیدگی‌هایی است که در رابطه با تعامل و تقابل میان آنها وجود دارد. این ترکیب به بسیاری از نیازهای ساکنین اعم از مادی و معنوی مانند تفکیک محدوده خصوصی و عمومی، حریمیت، امنیت، آسایش اقلیمی، روابط اجتماعی و همسایگی و ... به طور همزمان پاسخ می‌دهد و همچنین با توجه به موقعیت مکانی و

گونه‌های مسکن بیانگر تداخل عوامل پیچیده و پرشمار، کنش و واکنش‌های متقابل آنهاست. ترکیب بندی فضای باز و بسته در سکونتگاه‌های بومی روستایی از نظام خاصی تبعیت می‌کند و تلفیق این دو فضا حاکی از سازماندهی آگاهانه و هوشمندانه آن بوده است. شکل این فضاها به همان اندازه که متأثر از عوامل طبیعی است از ساختارهای ذهنی و اجتماعی بشر نیز تأثیر پذیرفته است و در جهت پاسخ‌گویی به عوامل مختلف اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی موجود در روستا نقش مکمل را ایفا می‌نماید. بنابراین، ترکیب فضای باز و بسته را از نظر

زمانی و عملکردی بنا، تأثیر یک عامل به عامل دیگر بارزتر و یا کم‌رنگ‌تر می‌باشد. در بسیاری از موارد به دلیل جاذبه‌هایی که ساخت و سازهای مشابه الگوهای شهر برای روستائیان داشته و منفی انگاشته شدن راه حل‌های بومی به دلیل تبلیغات منفی (به عنوان مثال الگوی کپر و کپرنشینی) باید با توضیح و فرهنگ سازی ارزشهای سنتی مرتبط با مسکن بومی را مجدداً احیاء کرد. از سویی دیگر، فضای باز از حیث وجودی عنصری مهم و از حیث ماهیتی، موضوعی پیچیده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر جامعیت بیشتر مفاهیم برنامه ریزی - مدیریتی و سپس حفاظتی زیست محیطی در فضاهای باز است که اغلب از محدوده فضاهای داخلی شهر فراتر رفته و نواحی حومه‌ای و حتی روستایی را نیز شامل می‌شود.

روشها، مدلها و تأثیرات هر یک از شیوه‌های مدیریتی و برنامه ریزی شهری - منطقه‌ای بر تأمین نقشهای کلیدی فضاهای باز و مهمتر از همه نقش حفاظت کنندگی از اولویتهای معاصر است. همزمان توجه و آفری نیز به شیوه تنظیم شرایط محیطی توسط فضاهای باز و تأثیرات روحی، حسی - روانی تعامل انسان با چنین فضاهایی دیده می‌شود. نسبت انسان - فضای باز، با رویکرد حفاظت همراه است و نسبت فضای باز - انسان با رویکرد کنترل توأم می‌باشد. مدلها و رویکردهای برنامه ریزی - مدیریتی، جایگاه و ماهیت میانه‌ای در این مدل دارند چراکه علاوه بر قابلیت شکل دهنده ذاتی خود، همواره در بخشهای تأمین کنندگی و حفاظت کنندگی نیز حایز توجه هستند. بایستی توجه داشت که فرهنگها خاصه در روستاها در



نمودار ۵. مدل مفاهیم پایه در رویکردهای غالب معاصر در پژوهشهای فضای باز (همانگونه که در مدل ارائه شده آمده است، می‌توان دریافت که در مناطق روستایی قدیمی در برابر روستاهای جدید در حال استحاله، چون ماهیت طبیعی فضا بیشتر است، پس حفاظت از فضاهای باز و توجه به مسائل زیست محیطی اهمیت بیشتری داشته و موضوعیت کنترل و نظارت بر این مناطق اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شرایط معاصر ایستا نیستند و در طول زمان تحول پیدا می کنند. این تحولات در عصر جهانی شدن اقتصاد و اطلاعات تسریع شده است. هنگامی که تحولات فرهنگی و اجتماعی در زمانی کوتاه شدید و خارج از کنترل باشد، کالبد شهر که ماهیتاً دارای تغییرات کند است قادر نیست در همان بازه زمانی با این تحولات منطبق شود و نابسامانی های شهری در همین شرایط است که به ظهور می رسد. در واقع چنین شرایطی فاصله میان عینیت (کالبد فیزیکی) و ذهنیت (نهفته های اجتماعی و انتظارات جامعه) بیشتر و بیشتر شده و بین خواست و ذهنیت جامعه از محیط مطلوب و عینیت کالبدی فاصله زیادی ایجاد می شود و محیط کالبدی دیگر پاسخگوی انتظارات ذهنی گوناگون افراد نخواهد بود. در شرایط اجتماعی منسجم که دارای سنت و عرف تثبیت شده بوسیله نظارت اجتماعی می باشد، نیاز به اعمال ضوابط و قوانین متعدد و کنترل های ریزپردازانه به حداقل می رسد و تغییرات اجتماعی نیز تغییرات کالبدی را به دنبال خود خواهد آورد. اما در جوامعی که این هماهنگی و همزمانی وجود ندارد کالبد شهر پاسخگوی نیازهای اجتماعی نخواهد بود و در نتیجه نیاز به اصول و معیارهایی که بتواند محیط منسجمی به وجود آورد بسیار بیشتر احساس می شود. در چنین وضعیتی است که بایستی از سایر سیاست های ممکن استفاده کرد تا فرایند ایجاد این هماهنگی را تسریع ببخشند. در چنین وضعیتی دیگر فرهنگ و سنت و عرف پاسخگو نبوده و طراحی شهری ناگزیر است از راهکارهای دیگری برای سامان دادن به محیط کالبدی شهر بهره جوید. در چنین شرایطی مهم ترین مسئله ترکیب ساختمانها با یکدیگر است.

در پایان باید گفت که راه حل های بومی مرتبط با سازماندهی فضای باز درخشان ترین الگوها برای پاسخ دهی به مسائل اقلیمی و معیشتی بوده و در پس ظاهر نه چندان مطلوب آنها می توان محتوای بسیار ارزنده ای را که تبلور قرنهای تجربه است، مشاهده نمود؛ به همین دلیل باید با باززنده سازی عناصر محتوایی آنها به شکلی امروزی این

شیوه ها را هم چنان زنده نگاه داشت.

در انتها پیشنهاد می شود در راستای انجام مطالعات بهینه و مناسب در زمینه هماهنگ سازی تأثرات اجتماعی - فرهنگی و طراحی مسکن روستایی با تأکید بر فضاهای باز روستایی در ایران و کارآمدسازی تدوین طرح های پژوهشی و رویه اجرایی حاکم بر آن از نمودار صفحه بعد به عنوان الگوی فرآیندی استفاده گردد.

منابع و ماخذ

- (۱) اردلان، نادر و لاله، بختیار (۱۳۸۰) حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.
- (۲) افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- (۳) افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸.
- (۴) بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۵) برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، نشر خاک.
- (۶) پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
- (۷) تانکیس (۱۳۸۸) فرم، فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری). ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.
- (۸) تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
- (۹) جیکوبز، جین (۱۳۸۶) زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، مترجم: پارسی، حمیدرضا؛ افلاطونی، آرزو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۰) حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)؛ فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۴. ۱۳۸۰.
- (۱۱) حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
- (۱۲) حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات



- واقعه ای و خاطره های جمعی، مجله صفا، سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- (۱۳) دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه باغ نظر، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان ۸۶.
- (۱۴) راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- (۱۵) راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
- (۱۶) راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
- (۱۷) راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
- (۱۸) رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
- (۱۹) غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان‌شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- (۲۰) فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
- (۲۱) لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر، ترجمه منوچهر

space in a residential sorting model of twin cities. *Journal of environmental economics and management*, 60: 57-77.

(35) Kotchen, M. et al. (2006). Explaining the appearance and success of voter referenda for open-space conservation. *Journal of environmental economics and management*, 52: 373-390.

(36) Kruger, F.L. et al. (2011). Impact of urban geometry on outdoor thermal comfort and air quality from field measurements in Curitiba, Brazil. *Building and Environment*, 46: 621-634.

(37) Lo, A.Y., Jim, C.Y. (2010). Willingness of residents to play and motives for conservation of urban green spaces in the compact city of Hong Kong. *Urban Forestry & Urban Greening*, 9: 113-120.

(38) Li, W. et al. (2007). Simulating the sheltering effects of windbreaks in urban outdoor open space. *Journal of wind engineering and industrial aerodynamics*, 95: 533-549.

(39) Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. London: Routledge Pub.

(40) Mandeli, K.N. (2010). Promoting public space governance in Jeddah, Saudi Arabia. *Cities*, 27: 443-455.

(41) McConnachie, M., Shackleton, C.M. (2010). Public green space inequality in small town in south Africa. *Habitat International*, 34: 244-248.

(42) Muruani, T., Amite-Cohen, I. (2007). Open space planning models: a review of approaches and methods. *Landscape and Urban planning*, 81: 1-13.

(43) Nikolopoulou, M., Lykoudis, S. (2007). Use of outdoor and microclimate in Mediterranean urban area. *Building and environment*, 42: 3691-3707.

(44) Samadhi, T.N., Tantayanusorn, N. (2006). Reinventing religious land as urban open space: the case of kuang in Chiang Mai (Thailand). *Habitat International*, 30: 886-901.

(45) Simeoforidis, Y. (1993). On landscape and open spaces. *Arch. & Behave.*, 3: 321-327.

(46) Sugiyama, T., Thompson, C. W. 2008. Associations between characteristics of neighborhood open space and older people's walking. *Urban forestry & urban greening*, 7: 41-51.

(47) Tan, S., fwa, T. (1992). Influence of pave-

مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

(۲۲) لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۷۵) پدیدارشناسی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی.

(۲۳) ماجدی، حمید و زرآبادی (۱۳۸۹) شهر نشان دار به مثابه شهر زمینه گرا، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۳.

(۲۴) مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.

(۲۵) مظفر، فرهنگ و اسدپور (۱۳۹۳) تحلیل توپولوژیک فضاهای باز در الگوهای مسکن بومی؛ پژوهشهای منظر شهری، سال اول، شماره ۱.

(26) Anderson, S.T., West, S.E. (2006). Open space, residential property values, and spatial context. *Regional science and urban economics*. 36: 773-789.

(27) Bowman, T. et al. (2009). Valuation of open space and conservation features in residential subdivisions. *Journal of environmental management*, 90: 321-330.

(28) Coombes, E. et al. (2010). The relationship of physical activity and overweight to objectively measured green space accessibility and use. *Social science and medicine*, 70: 816-822.

(29) Corti, B. et al. (2005). Increasing Walking; How important is distance to, attractiveness, and size of public open space? *American Journal of Preventive Medicine*, 28: 169-176.

(30) Cosco, N.G. et al. (2010). Behavior mapping: a method for linking preschool physical activity and outdoor design. *Official journal of American college of sports medicine*, 42: 513-519.

(31) Geoghegan, J. (2002). The value of open spaces in residential land use. *land use policy*, 19: 91-98.

(32) Germeraad, P.W. (1992). Islamic traditions and contemporary open space design in Arab-Muslim settlements in Middle East. *Landscape & Urban Planning*, 23: 97-106.

(33) Kang, J., Zhang, M. (2010). Semantic differential analysis of the soundscape in urban open public spaces. *Building and environment*, 45: 150-157.

(34) Klaiber, H. et al. (2010). Valuing open

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۲۴

- ment materials on the thermal environment of outdoor spaces. *Building and Environment*, 27: 289-295.
- (48) Thompson, C. W. (2002). Urban open space in 21st century. *Landscape and urban planning*, 60: 59-72.
- (49) Turel, H.S. et al. (2007). Evaluation of elderly people's requirements in public open spaces: a case study in Bornova District (Izmir, Turkey). *Building and Environment*, 42: 2035-2045.
- (50) Walton, D. et al. (2007). The relative influence of wind, sunlight and temperature on user comfort in urban outdoor spaces. *Building and environment*, 42: 3166-3175.
- (51) Wu, J.J. Planting, A.J. (2003). The influence of public open space on urban spatial structure. *Journal of environmental economics and management*, 46: 288-309.
- (52) Aiello, Antonio; Ardone, Rita Grazia&Scopelliti, Massimiliano 2010. Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome. *Journal of Evaluation and Program Planning*, 33: 264- 275.
- (53) Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10: 313-325.
- (54) Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17: 47-57.
- (55) Amole, Dolapo 2009a. Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences. *Journal of Environment and Behavior*, 41: 866-879.
- (56) Amole, Dolapo 2009b. Residential Satisfaction in Students' Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 29: 76-85.
- (57) Arbuckle, James 2009. *Amos 18 User's Guide*, Chicago, SPSS Inc.
- (58) Bonaiuto, Marino; Aiello, Antonio; Perugini, Marco; Bonnes, Mirilia&Ercolani, Anna Paola 1999. Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19: 331-352.
- (59) Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando&Bonnes, Mirilia 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle-And low-Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée/European Review of Applied Psychology*, 56: 23-34.
- (60) Canter, David V. 1977. *The Psychology of Place*, London, Architectural Press.
- (61) Canter, David V.; Rees, K.A. 1982. Multivariate Model of Housing Satisfaction. *International Review of Applied Psychology*, 32: 185-208.
- (62) Gaitani, N.; Mihalakakou, G.&Santamouris, Mat 2007. On the Use of Bioclimatic Architecture Principles in Order to Improve Thermal Comfort Conditions in Outdoor Spaces. *Journal of Building and Environment*, 42: 317-324.
- (63) Ge, Jian; Hokao, Kazunori 2006. Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 78: 165-178.
- (64) Gifford, Robert 2002. *Environmental Psychology: Principles and Practice*, Canada, Optimal Books.
- (65) Hur, Misun; Morrow-Jones, Hazel 2008. Factors That Influence Residents' Satisfaction with Neighborhoods. *Journal of Environment and Behavior*, 40: 619-635.
- (66) Hur, Misun; Nasar, Jack L.&Chun, Bumseok 2010. Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Naturalness and Openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30: 52-59.
- (67) Kearney, Anne R. 2006. Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. *Journal of Environment and Behavior*, 38: 112-139.
- (68) Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy 1986. *Housing as If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing*, Berkeley, University of California Press.
- (69) Mesch, Gustavo S.; Manor, Orit 1998. Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. *Journal of Environment And Behavior*, 30: 504-519.

(70) Thorsson, Sofia; Lindqvist, aria&Lindqvist, Seven 2004. Thermal Bioclimatic Conditions and Patterns of Behaviour in an Urban Park in Goteborg, Sweden. International Journal of Biometeorol, 48: 149–156.

(71) Waxman, Lisa Kinch 2004. More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design. Ph.D. Thesis, Florida State University.

Archive of SID

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۲۶